أعوذ بالله من الشيطان الرجيم بسم الله الرحمن الرحيم و الحمد لله رب العالمين وصلی الله علی محمد و آله الطيبين الطاهرين و لعنه الله علی أعدائهم أجمعين روی عن رسول الله (صلی الله عليه و آله و سلم): « اِنَّ الغَيْرَةَ مِنَ الاِيمانِ » غيرت از آثار ايمان است.

بحث ما راجع به تربيت به معنای روش رفتاری و گفتاری دادن بود. گفته شد، اوّلين محيطی که قوی‌ترين نقشِ سازندگی را بر روی انسان دارد؛ محيط خانوادگی و رابطه پدر و مادر با فرزند است. پدر و مادر در سه بُعد نقشِ روش دادن و تربيت کردن فرزند را دارند؛ ۱ ـ ديداری ۲ ـ شنيداری ۳ ـ رفتاری. در جلسه گذشته، بحث ما به اينجا رسيد که در ارتباط با مسأله ديداری، هم پيکره پدر و مادر و هم تبعات آنها از نظر پوشش، نقشِ سازندگی و تربيتی دارد و به فرزند روش می‌دهد؛ چه رسد به پوشش خودِ فرزند .وی با بيان اينکه پدر و مادر بايد اين معنا را در نظر داشته باشند که در اين رابطه ديداری، به نحوی عمل نکنند که آن وديعه الهيه به نام "حياء" در درون فرزند سرکوب شود، گفت: بلکه بايد او را زنده کنند، نه اينکه بميرانند *نقش "حياء" در تربيت اين مرجع تقليد اظهار داشت: حياء و شرم چيست؟ چون اينجا بحثم به روش مسائل اخلاقی است اوّل می‌روم سراغ تعريف علمای اخلاق. آنها در مباحث اخلاقی يکی از رذائل اخلاقی را به عنوان "وَقاحت" مطرح می‌کنند که ما به آن می‌گوييم :بی‌شرمی؛ و ضدّ آن را "عَفاف" می‌گويند. وقاحت از رذائل نفسانيه است و عبارت است از: عدم مبالات نفس از ارتکاب محرّمات شرعيه و عقليه و عرفيه. در مقابل آن، ما می‌گوييم ضد او حياء است. (البتّه شايد در جلسه آينده اين را بگويم که عفاف ضدّ خاص است امّا من فعلاً ضدّ عام آن را می‌گويم. فعلاً نمی‌خواهم دراصطلاحات پيچيده

وارد بشوم (وی در تعریف حیاء گفت: حیاء عبارت است از: محصور کردن و انفعال نفس از ارتکاب محرّمات شرعیه و قبائح عقلیه وعرفیه، به جهت اینکه نکوهش نشود .مرحوم مجلسی(رضوان الله تعالی علیه)هم تعریفی راجع به حیاء دارد که می‌فرماید: "اَلحَیاءُ مَلَکَةٌ لِلنَّفسِ تُوجِبُ إِنقِباضُها عَنِ القَبیحِ وَ إِنزِجارُها عَن خِلافِ الآدابِ خَوْفاً مِنَ الَّلْومِ " اگر بخواهم مطلب و بحث را ساده کنم؛ حیاء یک نوع پوشش برای روح است. این تعبیر که عرض کردم تقریباً هم در آیات قرآن وارد شده است هم در روایات. که البتّه در روایات روشن‌تر است. در باب روح اینطور است که این برای انسان یک امری است از امور فطری و اکتسابی نیست. یک پوششی برای روح است * .حیاء در ارتباط با خداوند، دیگران و خود این استاد اخلاق افزود: این پوشش، در روابط گوناگون قرار می‌گیرد. یک وقت در ارتباط با خدا قرار می‌گیرد، یک وقت در ارتباط با مخلوق و حتّی یک وقت در ارتباط با خود انسان قرار می‌گیرد. من نمی‌خواهم الان وارد بحث حیاء بشوم چون چندین سال پیش این را بحث کرده‌ام. لذا تقسیم‌بندی می‌کنند و می‌گویند "أَلحَیاءُ مِنَ اللهِ تعالی" یعنی: از خدا خجالت بکش "أَلحَیاءُ مِنَ الخَلق" یعنی: از مردم خجالت بکش "أَلحَیاءُ مِنَ النَّفس" یعنی :لااقل از خودت خجالت بکش" * .الحیاء من الله" عبارت از تقوا است وی ادامه داد: در بابِ آنجایی که "حیاء مِن الله" و خجالت کشیدن از خدا است، تعبیر می‌کنند به "تقوا". شما در قرآن این تعبیر را ببینید ": یَابَنِی ءَادَمَ قَدْ أَنزَلْنَا عَلَیْکمُ لِبَاسًا یُوَارِی سَوْءَاتِکُمْ وَ رِیشًا وَ لِبَاسُ التَّقْوَی ذَلِکَ خَیرْ ذَلِکَ مِنْ ءَایَاتِ الله... " ای فرزندان آدم! لباسی برای شما خلق کردیم که شما را می‌پوشاند و مایه زینت شماست. امّا لباس پرهیزکاری بهتر است. اینها (همه) از آیات خداست تا متذکّر نعمتهای او شوند .آیت‌الله تهرانی با تأکید بر اینکه تقوا یک چیز درونی و مربوط به روح و پوششی برای روح است، اضافه کرد: در این آیه از آن

تعبیر به لباس می‌کند، پوشش است. من نمی‌خواهم وارد تفسیر این آیه بشوم. برخی مفسرین در این آیه "یَابَنِی ءَادَمَ قَدْ أَنزَلْنَا عَلَیْکمُ لِبَاسًا یُوَارِی سَوْءَاتِکُمْ وَ رِیشًا" رفته‌اند سراغ همین پیراهن و لباس ظاهری و... ولی یک احتمال این است که مقصود حیاء است .این مرجع تقلید افزود: در "أَنزَلنا" معنای نزول، خلقت است. در آیات زیادی هم داریم که نزول به معنای خلقت است، مانند این آیه: "وَ أَنْزَلْنَا الْحَدیدَ فیهِ بَأْسٌ شَدیدٌ " خداوند آهن را که از آسمان پایین نینداخته است؛ غرض خلقت است. و آیاتی مثل: "وَ أَنْزَلَ لَکُمْ مِنَ الْأَنْعامِ ثَمانِیَةَ أَزْواجٍ" "وَ إِنْ مِنْ شَیْءٍ إِلاَّ عِنْدَنا خَزائِنُهُ وَ ما نُنَزِّلُهُ إِلاَّ بِقَدَرٍ مَعْلُومٍ" که در همه این آیات، نزول به معنای خلقت را می‌گوید. حالا من نمی‌خواهم از بحثم منحرف شوم. عمده بحثم این بود که تقوا، "الحیاءُ مِن الله" است و حیاء یک پوشش است. لذا علی (علیه السلام) در روایتی می‌فرماید: "أَحسَنُ مَلابِسِ الدُّنیا اَلحَیاء "بهترین لباس‌های دنیا، حیاء است. در این روایت خیلی دیگر روشن و شفاف است .حیاء یک پرده‌ای است بر روی روح * .حیاء امری فطری و آمیخته با خلقت انسان‌ها است آیت‌الله مجتبی تهرانی ادامه داد: این یک امری است فطری و آمیخته شده با خلقت هر انسانی است و از مختصّات انسان هم هست. آن‌هایی که اهلش هستند را ارجاع می‌دهم به آن حدیثی که جنود عقل و جهل را دارد. در اصول کافی است و مرحوم صدرالمتألهین (رضوان الله تعالی علیه) آن را شرح کرده است. در آن روایت می‌فرماید "...وَ الحَیاءُ وَ ضِدُّهُ الخُلعْ " ضدّ حیاء را می‌گوید: پرده‌دری. خُلعْ یعنی پرده‌دری. پس معلوم می‌شود حیاء، پرده است .بعد مرحوم صدرالمتألهین که می‌خواهد حیاء را معنا کند، می‌فرماید" :اَلحَیاءُ غَریزَةٌ إِنسانیهٔ " حیاء غریزه‌ای انسانی است. بنابراین حیاء از مختصّات انسان است و امری است آمیخته به وجود و خلقت انسان. مابه الامتیاز انسان از سایر حیوانات در همین است. یکی از فرق‌های انسان با حیوان همین جا است. ما

یک مابه‌الاشتراکات با حیوانات داریم مانند اینکه :آنها می‌خورند ما هم می‌خوریم، آنها می‌آشامند، ما هم می‌آشامیم. غریزه جنسی و امثال این‌ها را دارند، امّا انسان یک مابه الامتیاز دارد. مابه الامتیاز انسان از حیوان به حیای انسان است، به همین است یعنی همین پوشش که خداوند در درون انسان به ودیعه گذاشته است و خدا بذر حیاء را در درون هر انسانی پاشیده است، نشای حیاء را کاشته است. امری اکتسابی نیست. مثل بقیه امور فطریه در انسان است که باید انسان او را شکوفا کند. من بحثم اینجا بود. و این هم در ارتباط با عقل عملی است که ادراک حسن و قبح است. لذا علی(علیه السلام) در روایتی می‌فرماید: "أَعقَلُ النّاسِ أَحیاهُم " عاقل‌ترین مردم باحیاترین و باشرم‌ترین مردم است. یعنی این غریزه هرچه رشد پیدا کند در انسان. این در بُعد انسانی بود. در بُعد الهی آن هم این است، چون ما هم بُعد انسانی داریم هم بُعد الهی داریم، انسان اینگونه است ابعاد گوناگون دارد؛ در بُعد الهی ما هم همین است؛ روایت از امام صادق (علیه السلام) است که می‌فرمایند: "لا ایمانَ لِمَن لا حَیاءَ لَهُ " کسی که شرم ندارد ایمان ندارد. من در ابتدا گفتم: "الحیاءُ مِنَ الله تعالی". همین حیاء است که انسان را از نظر اعمال زشت و قبیح باز می‌دارد و ما در روایت از علی (علیه السلام) داریم: " أَلحَیاءُ یصُدُّ عَنِ فِعلِ القَبیحِ " حیاء انسان را از انجام عمل قبیح باز می‌دارد. حال قبح آن قبح عقلی باشد یا قبح شرعی. من اینها را فهرست‌وار می‌گویم. یک پوشش الهی است. انسان از نظر ذاتش پرده‌دار است یعنی باحیاست، پرده‌دَر نیست؛ چه در بُعد انسانی، چه در بُعد الهی. انسان در هر دو بُعد اینطور است. اصلاً در درون او است، یک چیز تحمیلی برای انسان نیست * .پرده‌داری در درون فرزند موجود است این استاد اخلاق گفت: هر بچّه‌ای که به دنیا می‌آید، از نظر درونی نهاد او این چنین است. پرده‌دار است نه پرده‌دَر و همان پرده‌داری موجب می‌شود که به طرف فعل قبیح و زشت نمی‌رود. "حیای من الله"

داریم، "حیا من الناس "داریم، "حیا من النفس" داریم. اینها در جای خودش بحث دارد، ولی بدانید ریشه این است. این که من عرض کردم راجع به حیا، هم نسبت به پیشگیری نسبت به افعال زشت است؛ هم قبل از آن است هم بعد از آن است. کارسازی دارد. قبل از آن مانعیت دارد یعنی این موجب می‌شود که انسان به سمت کار بد و زشت نرود، یعنی همین شرم که درونی است موجب می‌شود شرم او می‌آید. اگر یک وقتی هم ـ نعوذ بالله ـ فرض کنید یک کار زشتی از او سر زد تا آنجایی که هنوز مسخ نشده است و این پرده به طور کلّی دریده نشده و از بین نرفته، متأثّر می‌شود .خودِ او خجالت می‌کشد؛ خودش، خودش را سرزنش می‌کند. لازم نیست دیگران به او بگویند که ما تعبیر می‌کنیم، می‌گوییم: وجداناً ناراحتم. این "وجداناً ناراحتم" معنای آن همان مسأله حیاء بوده که خداوند در درون او گذاشته بوده است. این پرده را درید و مرتکب این کار زشت شد یعنی این مرزشکنی را کرد، چه مرز الهی باشد، چه مرز انسانی باشد، تا برسد به عرفی آن، در هر رابطه‌ای، هم قبل را می‌گیرد هم بعد را می‌گیرد؛ این تا آنجایی است که من عرض کردم و آن اینکه به طور کلّی بر اثر تکرار قبائح این پرده حیا از بین نرفته باشد .این را می‌خواستم بگویم خیال نکنید که فقط راجع به قبل است نخیر، بعد از عمل او هم هست. آن وقت اینجاست که ـ نعوذ بالله ـ اگر مسخ شد و این حیا و پرده‌داری او از بین رفت، دست به هر جنایتی می‌زند. ما تعبیر می‌کنیم می‌گوییم: آدم دریده‌ای است. چه را دریده است؟ پردهٔ حیا را دریده و پاره کرده است .آیت‌الله تهرانی اضافه کرد: این روایات را اهل سنّت هم نقل می‌کنند. آنها هم متعدد نقل می‌کنند، ما هم متعدّد داریم. دارد از پیغمبراکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) "لَم یبقِ مِن أمثالِ الأنبیاء إلّا قَولُ النّاس إذا لَم تَسْتَحْی فَاصْنَعْ ما شِئْتَ " حضرت فرمودند از مثال‌هایی که پیامبران الهی می‌زدند، باقی نماند مگر این حرفی که حرف همه مردم است، این را خوب

دقت کنید، قول همه مردم. چرا؟ چون همه انسان‌اند، حیوان نیستند و آن مثال شایع در میان مردم این است: وقتی که بنا شد شرم نداشته باشی هر جنایتی می‌خواهی بکن .وی ادامه داد: یک روایت دیگر از امام هشتم (علیه السلام) هست که حضرت فرمود: "ما بَقِی مِن أمثالِ الأنبیاءِ (علیهم السلام) إلّا کَلِمَةٌ :إذا لَم تَسْتَحْ فَاعْمَلْ ما شِئْتَ " در روایت قبلی "فَاصنَع" بود این "فَاعمَل" است. یک جمله از مثالهای انبیا در میان مردم ماند و آن اینکه وقتی که بنا شد شرم نداشته باشی هر چه می‌خواهی بکن. عامّه هم نقل می‌کنند .در دو جای کنز العمّال دارد و آن این است از پیغمبر اکرم "آخَرُ ما أدرَکَ النّاس مِن کَلامِ نُبُوَّة الاولی: إذا لَم تَستَح فَاصنَع ما شِئت "وظیفه پدر و مادر در رشد دادن حیای فرزندان در همه ابعاد آیت‌الله مجتبی تهرانی اظهار داشت: مسأله حیاء در باب تربیت یک نقش زیر بنایی دارد؛ به این معنا که پدر و مادر که به طور معمول و متعارف دو مربّی دست اوّل برای انسان هستند، اینها آنچه را که باید روی آن دقّت کنند، این است که نکند من پرده حیای این بچّه را بدرم، بلکه پرده حیای او را حراست و حفاظت و رشد بدهند. نمی‌خواهد تو به او حیا بیاموزی. نه! سرکوبش نکن، خود او شرم ذاتی دارد. این را رشدش بده. چه در بُعد دیداری‌ات، چه در بُعد شنیداری‌ات، چه در بُعد رفتاری‌ات، چه با هیکل‌ات، چه با لباست، چه با لباسش. بالاترین جنایت پدر و مادر در باب تربیت نسبت به فرزند اینجاست که ـ نعوذ بالله ـ در این سه رابطه پرده حیای الهی این بچّه را بدرند. اینکه بچّه هر کاری دل او می‌خواهد بکند و هرچه می‌خواهد بگوید و هرچه می‌خواهد ببیند. لذا در باب تربیت این مسأله را داریم هیچ قابل شبهه هم نیست، که آن هسته مرکزی که کاربرد زیاد دارد در باب تربیت اینجاست .این استاد اخلاق در ادامه صحبت‌های خود در این مبحث گفت: این را بدانید آن کسانی که اسیر هواهای نفسانیشان هستند که می‌خواهند در جامعه به اهداف شیطانیشان برسند، از همین راه وارد می‌شوند:

ترویج لاابالی‌گری، چه در بُعد الهی آن، چه در بُعد انسانی آن؛ در هر دو بُعد. همین کار را می‌کنند و به اهدافشان می‌رسند، جامعه را سوق می‌دهند به بی‌بندوباری به معنای پرده‌دری، پرده حیای جامعه را می‌درند چه در بُعد دینی آن، و چه در بُعد الهی آن، و چه در بُعد انسانی آن و دیگر هر جنایتی بخواهند می‌کنند. "فَاصنَع ما شِئت.."